

مصاحبه شونده: محمدعلی نجفی

مصاحبه کننده: به صورت کتبی پاسخ داده‌اند

تاریخ مصاحبه: ۸۴/۵/۲

دانشکده: علوم ریاضی و کامپیوتر

سال ورود: ۱۳۶۳

=====

### خلاصه‌ای از سوابق علمی و اجرایی خود را بفرمایید.

من در سال ۱۳۴۹ وارد این دانشگاه شدم. در دو سال اول در رشته متالورژی تحصیل کردم ولی بعد از آن چون علاقه بیشتری به ریاضیات داشتم به دانشکده ریاضی منتقل شدم. در سال ۱۳۵۳ فارغ‌التحصیل شده و با استفاده از بورس تحصیلی دانشگاه برای ادامه تحصیل به دانشگاه MIT آمریکا رفتم. در بهمن ۱۳۵۷ و هم‌زمان با پیروزی انقلاب به ایران باز گشتم. حدود یک سال در خدمت شهید زنده یاد دکتر چمران بودم و سپس به عنوان عضو هیأت علمی به دانشگاه صنعتی اصفهان رفتم. در سال ۱۳۵۹ رئیس آن دانشگاه شدم. در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ مسؤولیت وزارت فرهنگ و آموزش عالی را بر عهده داشتم که بازگشایی دانشگاه‌ها پس از انقلاب فرهنگی در آن دوره انجام شد. از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ در دانشکده ریاضی همین دانشگاه تدریس و تحقیق کردم و البته در دو سال آخر، معاون آموزشی و فرهنگی صدا و سیما هم بودم. از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ مسؤولیت وزارت آموزش و پرورش را عهده‌دار بودم و از ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه بودم. از آن سال تا به امروز هم علاوه بر تدریس در دانشگاه مسؤولیت‌هایی از قبیل مشاور رئیس جمهور، مشاور وزیر صنایع و معادن، عضویت در بسیاری از شوراهای جمله شورای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی، شورای عالی علوم و فناوری و تحقیقات و شورای فرهنگ و صنعت را عهده‌دار بوده‌ام.

### وضعیت امکانات فیزیکی و اساتید در دوره تحصیل شما در دانشگاه چگونه بود؟

در سال ۱۳۴۹ که من وارد دانشگاه شدم بسیاری از امکانات آن شکل گرفته بود و در مجموع از نظر فیزیکی دانشگاه با مشکل حادی مواجه نبود و تعداد دانشجو هم خیلی کمتر از امروز بود. بسیاری از ساختمان‌های فعلی دانشگاه از جمله تالارهای درس و ساختمان مجتهدی در همان سال‌های اول تأسیس آن ساخته شدند و هنوز هم مورد استفاده هستند. اکثر قریب به اتفاق استادان دانشگاه جوان، پر انرژی و

با انگیزه بودند و از دانشگاه‌های رده اول و معروف دنیا فارغ‌التحصیل شده بودند و واقعاً یک نشاطی از نظر علمی و آموزشی بر دانشگاه حاکم بود که متأسفانه این روزها کمتر دیده می‌شود و برای ایجاد آن باید فکر و برنامه‌ریزی کرد.

### **خاطرات خود را از اساتید، کادر اجرایی و مدیریت دانشگاه بیان فرمایید.**

به جای خاطره که البته زیاد است، به ذکر این نکته بسنده می‌کنم که علی‌رغم جو علمی نسبتاً خشک دانشگاه و سخت‌گیری بعضی از استادان در ارتباط با امتحان و نمره (کم و بیش مانند همین وضعیت امروز دانشگاه!)، در مجموع دانشگاه، استادان، کارکنان و دانشجویان مثل یک خانواده بودند و روابط صمیمی و گرمی بر دانشگاه حاکم بود. حتی من به یاد دارم که در دوران اعتصابات دانشجویی و درگیری‌های دانشجویان با گارد دانشگاه که اصولاً برای سرکوب جنبش دانشجویی تشکیل شده بود، بسیاری از استادان در حمایت از دانشجویان وارد می‌شدند و حتی در مواردی کتک هم می‌خوردند.

**دانشجویان شاخص علمی، فرهنگی و سیاسی را نام برده و خاطرات خود را از جریانات سیاسی آن روز و نحوه فعالیت تشکل‌های سیاسی و دانشجویی بفرمایید. در صورت فعالیت خودتان، از خاطرات خود نیز بیان کرده و نقش این دانشگاه را در قبل از انقلاب، بر فضای سیاسی و اجتماعی جامعه و نهضت اسلامی بفرمایید و از فعالیت گروه‌های ورزشی، فوق برنامه و هنری خاطراتان را بفرمایید.**

دانشگاه ما در مجموع هم بر فضای سیاسی و اجتماعی و هم بر فضای فرهنگی و علمی کشور تأثیرات عمیقی داشته است. انجمن اسلامی دانشگاه یکی از فعال‌ترین انجمن‌های دانشجویی در میان دانشگاه‌های کشور بود و برخی از اعضای آن در فعالیتهای سیاسی بیرون دانشگاه هم، نقش پیش‌تاز داشتند و حتماً می‌دانید که خیلی از دانشجویان این دانشگاه در کوران مبارزه با رژیم ستم‌شاهی به درجه رفیع شهادت رسیدند. البته مبارزان غیر مسلمان هم بودند که یا در درگیری‌های مسلحانه و یا در زندان جان خود را در راه آزادی از یوغ نظام دیکتاتوری از دست دادند. دانشگاه و دانشکده‌های مختلف در فعالیتهای ورزشی هم خیلی تلاش داشتند و حتی ما ورزشکارانی در سطح تیم‌های ملی داشتیم. همین‌طور در فعالیتهای فرهنگی و هنری، دانشگاه همیشه جزو مراکز قوی آموزش عالی بود، به خصوص در زمینه‌های سینما، تئاتر و موسیقی فعالیت‌ها هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی، خیلی خوب بود. من این افتخار را داشتم که تقریباً با تمام این فعالیت‌ها به نوعی مرتبط بودم، در برخی

زمینه‌ها مستقیماً فعالیت داشتم و در بعضی موارد هم از نتایج کار دوستان، بهره و لذت می‌بردم. در مجموع، من فکر می‌کنم تأثیرگذاری دانشگاه بر جریانات علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور خیلی بیش از طول عمر دانشگاه بود و این افتخاری است برای همه کارکنان، فارغ‌التحصیلان و دانشجویان دانشگاه و ناشی و حاکی از توانایی‌های ارزنده این مجموعه است.

### **چه عواملی از ابتدای تأسیس تا کنون، باعث ماندگاری و پیشتازی علمی این دانشگاه در عرصه جامعه گردیده است؟**

من فکر می‌کنم مهم‌ترین عامل، بنیان محکم، دقیق و درستی بود که از روز اول برای این دانشگاه تدارک دیده شد و خدا رحمت کند کسانی را که در این راه تلاش کردند. انضباط آموزشی و پژوهشی در دانشگاه به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی این ماندگاری است که توانست در گردهادهای بعد از پیروزی انقلاب آن را حفظ کند و چنین موقعیت شایسته‌ای برای دانشگاه فراهم سازد.

### **تأثیر این دانشگاه را در نظام مدیریتی، آموزشی و صنعتی کشور بفرمایید.**

از نظر آموزشی روشن است که فارغ‌التحصیلان و دانشجویان دانشگاه عملکردی بهتر از هم‌تایان خود در دیگر مراکز آموزش عالی کشور دارند و این امر بارها در جریان ارزشیابی‌ها، مسابقات علمی و ... به اثبات رسیده است. در واقع دانشگاه صنعتی شریف از همان بدو تأسیس، به یک الگو برای بسیاری از دانشگاه‌های کشور تبدیل شد و مستقیم و غیرمستقیم بر جریانات آموزشی و پژوهشی کشور تأثیر گذاشته است. از نظر تأثیر دانشگاه بر اداره کشور هم جای خوشبختی است که تعداد زیادی از مدیران طراز بالای کشور و نیز مدیران میانی، از فارغ‌التحصیلان دانشگاه ما بوده‌اند و فکر می‌کنم متوسط عملکرد آن‌ها از متوسط عملکرد مدیریت کشور خیلی بهتر باشد (البته این مطلبی است که به صورت کمی قابل اثبات نیست ولی نمونه‌های بی‌شماری را می‌توان برشمرد که تأیید این ادعا است). در نظام صنعتی کشور هم امروز شاهدیم که در اجرای هر پروژه‌ی بزرگ و موفق‌ی در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب، تعدادی از فارغ‌التحصیلان یا استادان دانشگاه به صورت مستقیم و غیرمستقیم درگیر بوده‌اند و جای پای آن‌ها را می‌توان دید. بنده در خیلی از بازدیدهایی که به واسطه مسؤلیت‌های خویش از طرح‌های بزرگ داشته‌ام، تعداد زیادی از دانش‌آموختگان این دانشگاه را ملاقات کرده‌ام.

به هر حال دانشگاه صنعتی شریف، قبل و بعد از انقلاب به کشور عزیزمان خیلی خدمت کرده‌است و شاید مسؤولان کشور آن طور که باید، این خدمات را نشناخته باشند و یا اگر هم شناخته‌اند در حد

ارزش آن، قدردانی نکرده‌اند و دلیل این سخن بنده هم مشکلاتی است که امروز دانشگاه از نظر فضا و امکانات و تجهیزات با آن‌ها مواجه است.

### **در پایان اگر صحبت دیگری دارید بفرمایید.**

اگر اجازه دهید من به دو مورد از انتقاداتی که نسبت به دانشگاه شریف می‌شود، اشاره کنم و به آن‌ها پاسخ کوتاهی بدهم. انتقاد اول این است که اگر خروجی دانشگاه خوب است و نسبت به دانشگاه‌های دیگر کشور در سطح بالاتری قرار دارد، ناشی از این است که ورودی‌های دانشگاه خوب هستند و معمولاً بهترین‌ها وارد این دانشگاه می‌شوند و فرآیند آموزشی و علمی دانشگاه تأثیر چندانی در این موفقیت‌ها ندارد. به اعتقاد من بطلان این نظر روشن است، زیرا اولاً خوب است منتقدان پاسخ دهند که چرا بهترین‌های کنکور و ورودی دانشگاه‌ها و نیز موفق‌ترین دانش‌آموزان در المپیادهای علمی، این دانشگاه را انتخاب می‌کنند؟ آیا می‌شود قبول کرد که این افراد که همگی از نخبگان کشور هستند، بدون آشنایی با نظام آموزشی و سطح علمی استادان دانشگاه، دست به چنین انتخابی می‌زنند؟ علاوه بر آن، مقایسه افرادی که از نظر استعداد و انگیزه علمی کم و بیش مانند دانشجویان ورودی این دانشگاه هستند در هنگام فارغ‌التحصیلی، با فارغ‌التحصیلان دانشگاه ما، نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین این دو دسته از دانش‌آموختگان وجود دارد که مسلماً ناشی از تفاوت‌های سطح کار دانشگاه‌های دیگر و این دانشگاه است و این که این دانشگاه، هم در جذب و هم در آماده‌سازی و پرورش نخبگان موفق بوده‌است؛ البته ضعف‌ها و اشکال‌هایی هم وجود دارد. انتقاد دوم مربوط به مهاجرت مغزها است و این که می‌گویند درصد بالایی از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که دانشگاه شریف افراد را برای کشورهای غربی تربیت می‌کند. این قضاوت هم به چند دلیل غیرمنصفانه است. اول این که بیشتر حرف‌هایی که در مورد مهاجرت مغزها مطرح می‌شود، در اکثر موارد غیرواقعی و توأم با بزرگ‌نمایی است. نکته دیگر این است که بخش قابل ملاحظه‌ای از فارغ‌التحصیلان دانشگاه، برای ادامه تحصیل و بانی‌ت بازگشت به کشور به خارج می‌روند و قرار دادن همه‌ی آن‌ها در لیست فرار مغزها یا مهاجرت نخبگان یک خطاست و نمونه‌های زیادی از افرادی که پس از کسب مدرک دکتری و یا بعد از دو سال تحقیق پس از کسب مدرک، به ایران برگشته‌اند و خدمات ارزنده‌ای داشته‌اند، وجود دارد. علاوه بر این، دانش‌آموختگان این دانشگاه به راحتی می‌توانند از بهترین دانشگاه‌های دنیا برای ادامه تحصیل پذیرش بگیرند. آیا باید ضعف دانشگاه تلقی شود یا قوت

آن و نکته آخر این که، مسلماً اگر چنین مراکزی در کشور نباشند، این دانشجویان حتی برای دوره لیسانس هم در داخل کشور نمی‌مانند و خیلی زودتر جذب مراکز علمی خارج از کشور می‌شوند. به نظر بنده راه جلوگیری از مهاجرت نخبگان، انتقاد از مراکز علمی قوی داخل کشور نیست و باید راه‌های مدبرانه و جامعی را دنبال کرد که بنده و عده‌ای از اهل نظر دیدگاه‌های خود را قبلاً عرض کرده‌ایم و بخشی از آن‌ها در نشریه دانشگاه نیز قبلاً چاپ شده است.